

ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری

جعفر کوشا

✉ jkoosha@yahoo.com

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

جواد رجب‌زاده

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد سمنان)، سمنان، ایران

چکیده: نظام اداری به‌عنوان پیش‌شرایط توسعه از مؤلفه‌های ضروری جهت عملیاتی‌کردن برنامه‌ها و تحقق اهداف دولت‌هاست، لذا داشتن نظام اداری سالم، کارآمد و اثرگذار یکی از پایه‌های اساسی موفقیت حاکمیت است. شاکله نظام اداری «منابع انسانی» هستند که سلامت نفس آن‌ها در تحقق برنامه‌های حاکمیت و حفظ سرمایه اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجایی که انسان‌ها در معرض آسیب‌های گوناگونی قرار دارند؛ لذا امروزه هیئت اجتماع در صدد سازماندهی پاسخ‌های بهینه به پدیده مجرمانه است. مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای بدنبال پاسخ به این سؤال اساسی بوده که ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری چیست؟ نتایج مبین این است که در تدوین این سیاست می‌بایستی ضمن توجه به لزوم انسجام و قابلیت ارزیابی آن و مشارکت مردم در تدوین و اجرای سیاست مذکور از مؤلفه‌های ذیل‌الذکر به منظور دستیابی به سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری استفاده شود: مؤلفه‌های عقلانی: عقلانیت به معنای مرجع شناخت، قابلیت استدلال‌پذیری و شناخت مستقیم است. بهره‌گیری از یافته‌های مکاتب کيفری، ویژگی‌های حکمرانی خوب، ملاحظات اقتصادی و مبنای توسعه، تدابیر پیشگیرانه، اصلاح بزه‌کاران و مشارکت متوازن نهادهای دولتی و سمن‌ها از جمله مؤلفه‌های عقلانی هستند که باید در تدوین این سیاست موردتوجه قرار گیرند. مؤلفه‌های فلسفی: سیاست‌گذاران می‌بایستی به فرهنگ جامعه تا جایی که با مسلمات علمی در تعارض نباشند و حقوق اساسی مردم توجه ویژه‌ای داشته باشند تا این سیاست‌ها با پذیرش عمومی همراه باشد. مؤلفه‌های تجربی: استفاده از دستاوردهای تجربی از قبیل اجرای سیاست‌های پیشگیرانه، شفافیت اداری، حمایت از افشاگران، استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند در کاهش جرایم و تخلفات و افزایش سلامت نظام اداری تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، نظام‌های حاکمیتی، نظام اداری، مؤلفه‌های عقلانی

استناد: کوشا، جعفر؛ رجب‌زاده، جواد. (۱۴۰۴). ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری.

دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۰ (۱۱۰)، ۱۴۱-۱۶۸.

<https://doi.org/10.22034/jlvi.2025.2051274.1322>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

در جوامع انسانی، مقابله با جرایم و ناهنجاری‌ها از طریق سیاست‌های جنایی همواره وجود داشته است. سیاست جنایی به عنوان مجموعه تدابیر برای مقابله با جرایم، ابتدا جنبه فردی داشته و سپس با شکل‌گیری دولت‌ها، به صورت رسمی و دولتی درآمده است. اولین بار، آنسلم فوئر باخ در سال ۱۸۰۳ میلادی مفهوم «سیاست جنایی» را به عنوان مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه علیه جرم مطرح کرد که شامل مجازات و پیشگیری کیفری بود. فون لیست، سیاست جنایی را سازماندهی جامعه برای مبارزه با بزهکاری تعریف کرد. سپس کوش و رندی یودی وابر در اوایل قرن بیستم به این مفهوم پرداختند و آن را هنر کشف روش‌های مبارزه با جرم دانستند. اما تا آن زمان، سیاست جنایی صرفاً بر اقدامات کیفری متمرکز بود و پیشگیری را در بر نمی‌گرفت. با ظهور مکاتب فلسفی پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم سیاست جنایی تحول یافت. مارک آنسل با دیدگاه موسع‌تر، سیاست جنایی را شامل جرم و انحراف اجتماعی تعریف کرد و تأکید کرد که این سیاست باید بر پیشگیری نیز متمرکز باشد. می‌ری دلماس - مارتی در سال ۱۹۸۳ با معرفی مدل‌های سیاست جنایی، مفهوم آن را گسترش داد و بیان کرد که سیاست جنایی علاوه بر اقدامات کیفری، شامل سایر نظام‌های حقوقی مانند نظام اداری و مدنی نیز می‌شود. در نتیجه، سیاست جنایی به معنای موسع شامل تمامی تدابیر کیفری، غیرکیفری و پیشگیرانه برای مقابله با جرم و انحراف است. این دیدگاه جدید، به جای سرکوب صرف، به پیشگیری و اصلاح نیز توجه دارد و انحرافات اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری چیست؟ و تلاش می‌شود تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحقیق توصیفی - تحلیلی آخرین یافته‌های جرم‌شناسی نظری و کاربردی و همچنین با استفاده از مؤلفه‌های عقلانی، تجربی و فلسفی ویژگی‌های مذکور شناسایی و تبیین شود.

۱. مفهوم‌شناسی

به منظور ارائه ادبیات مشترک و برداشت دقیق از موضوع تحقیق لازم است واژه‌هایی که در این مقاله نقش اساسی دارند مورد شناسایی، تبیین و تعریف واقع شوند.

۱-۱. سیاست جنایی

سیاست جنایی با توجه به فراز و نشیب‌های آن در مسیر تحولات مربوطه واجد دو مفهوم مضیق و موسع می‌باشد، بطوری که در مفهوم مضیق عبارت است از «مجموعه شیوه‌ها و ابزارهای جزایی و سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد». (لازرر، کریستین، ۱۳۹۵: ۱۱) امروزه این تعریف بیانگر سیاست کیفری است که یکی از زیر مجموعه‌های سیاست

جنایی به شمار می‌آید و صرفاً شامل اقداماتی است که نظام کیفری از طریق نهادهای قضایی به آن می‌پردازد و ابزارهای سیاست کیفری معمولاً مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۱). اما سیاست جنایی در مفهوم موسّع آن عبارت است از «مجموعه روش‌هایی که به وسیله آن، بدنه اجتماع (هیئت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازماندهی می‌کند» (لازرژ، کریستین، ۱۳۹۵: ۱۶). این تعریف شامل کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و نهادهای اجتماعی دیگر اتخاذ و سازماندهی می‌گردد.

۲-۱. نظام اداری

نظام اداری زیر نظامی از نظام حکومت‌هاست که به ساختار برنامه‌ریزی شده، سازماندهی شده و نهادینه شده مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای کلان دولت اطلاق می‌شود که در یک رابطه متقابل و ارگانیک با همدیگر یک کل به هم پیوسته را در عرصه جغرافیایی کشور و در ارتباط با سایر کشورها و نظام‌های پیرامون آن تشکیل می‌دهند و وظایف، تکالیف و برنامه‌های دولت را به منظور اعمال حاکمیت یا تصدی در جهت تحقق اهداف معینی به اجرا در می‌آورد.

۲. سیاست‌گذاری

۲-۱. سیاست‌گذاری عمومی و ماهیت آن

سیاست‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است. تئوری سیاست‌گذاری مرتبط با عواملی است که در چرخه سیاست‌گذاری دخیل هستند، نقش سیاست‌گذار، جلب حمایت افکار عمومی و تبدیل تحلیل سیاسی مردم به توصیه سیاسی برای دولت است. سیاست‌گذاری به یاری جامعه و سیاسیون می‌آید تا حلقه ارتباطی بین جامعه و قدرت باشد (جلیلی قاسم آقا، ۱۳۹۷: ۱۰۶). به عقیده برکلند^۱ سیاست‌گذاری عمومی به فعالیت‌های حکومت و مقاصدی که برانگیزنده این فعالیت‌ها است اشاره می‌کند. به تعریف دیگر سیاست‌گذاری عمومی آن چیزی است که حکومت تصمیم می‌گیرد انجام دهد یا کنار بگذارد (Dye, 2002: 1). در تعریفی دیگر سیاست‌گذاری عمومی، دربرگیرنده برنامه‌های سیاسی برای اجرای طرح‌هایی به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است (Cochran, Malone, 1995: 6) و بیانگر مجموعه فعالیت‌های حکومتی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (Peters, 2004: 21).

۲-۲. جایگاه نظام سیاست‌گذاری جنایی در سیاست‌گذاری عمومی

سیاست‌گذاری عمومی فرایندی پیچیده و چندبعدی است که عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی و فلسفی بر آن تأثیر می‌گذارند. هدف اصلی سیاست‌گذاری عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه امکانات و منابع است. این سیاست‌گذاری به‌عنوان چهارچوبی برای تدوین و اجرای سیاست‌های جنایی عمل می‌کند و به ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع کمک می‌کند. سیاست جنایی نیز به‌عنوان بخشی از سیاست‌گذاری عمومی نقش کلیدی در حفظ امنیت، ثبات اجتماعی و صیانت از حقوق اساسی ملت‌ها دارد. این حوزه شامل مجموعه تدابیری است که برای مدیریت پدیده مجرمانه (بزه و انحراف) در جامعه به‌کار گرفته می‌شود که باید بر مبنای اصول و قواعد فلسفی، تجربی و البته عقلانی تدوین شود و به‌طور مداوم مورد ارزیابی و اصلاح قرار گیرد تا بتواند به بهبود مدیریت پدیده مجرمانه، کاهش جرم، و تأمین امنیت اجتماعی کمک کند. استفاده از رویکردهای جامع و هماهنگ میان نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی نیز از الزامات اساسی یک سیاست جنایی کارآمد است. جایگاه سیاست جنایی در سیاست‌گذاری عمومی از آن جهت اهمیت دارد که به‌طور مستقیم با حقوق اساسی افراد مرتبط است. این حوزه از سیاست‌گذاری، علاوه بر مقابله با جرم، به پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان نیز توجه دارد. رعایت اصول سیاست‌گذاری عمومی در تدوین سیاست جنایی، مانع از اعمال نفوذهای شخصی و سیاسی و باعث ایجاد سیاست‌های پایدار، منسجم و پیش‌بینی‌پذیر می‌شود.

۳. سیاست جنایی

۳-۱. موضوع سیاست جنایی

مارک آنسل^۱ معتقد است که سیاست جنایی هم یک علم است و هم یک فن و موضوع آن فراهم ساختن امکانات ارائه بهترین شیوه تدوین قواعد و مقررات موضوعه در سایه یافته‌های علوم جرم‌شناسی است (نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۰: ۹۸). امروزه سیاست جنایی در مفهوم موسع از طرف صاحب نظران تدبیری واقع‌بینانه برای تنزل بزهکاری به شمار می‌رود و مفهوم مضیق سیاست جنایی، برای کنترل بزهکاری کارایی لازم را ندارد، سیاست جنایی دیگر صرفاً متکی به حقوق جزا نیست؛ بلکه درصدد ارائه راهنمایی‌های علمی و نظری برای اصلاح ساختار جامعه، از بین بردن علل به وجود آورنده بزهکاری یا محدود کردن آن علل، اصلاح مجرمان و بازاجتماعی کردن آن‌ها و در نهایت ترمیم آثار به شکل نظام‌مند می‌باشد. در این تعریف سیاسی جنایی، بخشی از سیاست اجتماعی یک کشور محسوب می‌شود و حقوق کیفری نیز مهم‌ترین قسمت سیاست جنایی است، البته در کنار حقوق کیفری، شیوه‌های کنترل اجتماعی از نوع غیرکیفری مثل میانجی‌گری، پیشگیری و ضمانت‌اجراهای اداری نیز برای مبارزه با بزه، به ایفای نقش می‌پردازند (لازرژ، ۱۳۸۲: ۱۲۳). در

1. Mark Ancel

این تعریف سیاست جنایی شامل پدیده جنایی اعم از بزه و انحراف می‌باشد و لذا کلیه اقدامات و تدابیر کیفری و غیرکیفری را در بر می‌گیرد.

۳-۲. پیشینه سیاست جنایی

سیاست جنایی به مجموعه تدابیر و روش‌های مقابله با جرم در جوامع انسانی اطلاق می‌شود که از دیرباز برای حفظ نظم اجتماعی و بقا مورد استفاده بوده است. در طول تاریخ، هیچ حکومتی بدون سیاست جنایی نبوده است و حتی عدم واکنش به جرم نیز نوعی سیاست جنایی محسوب می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۷۲: ۲). اصطلاح «سیاست جنایی» نخستین بار در سال ۱۸۰۳ میلادی توسط آنسلم فوئر باخ، حقوق‌دان آلمانی‌الاصل، در کتاب «حقوق کیفری» به کار رفت. وی سیاست جنایی را مجموعه‌ای از شیوه‌های سرکوب‌گرانه دولت علیه جرم دانست (لازرژ، ۱۳۹۵: ۹) این تعریف دارای ویژگی‌های زیر بود:

۱. مبتنی بر تدابیر قهرآمیز و تنبیهی، ۲. جنبه رسمی و دولتی، ۳. محدود به جرم و فاقد توجه به سایر انحرافات، ۴. با سرکوب و مجازات محقق می‌شود، ۵. صرفاً پیشگیری کیفری انجام می‌دهد. فون لیست، حقوق‌دان دیگر آلمانی، سیاست جنایی را مجموعه اصولی تعریف کرد که دولت و جامعه برای مبارزه با بزهکاری از آنها استفاده می‌کنند (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۱) به اعتقاد او، سیاست جنایی همان سیاست کیفری است.

در اوایل قرن بیستم، کوش، دانشمند فرانسوی، جایگاه سیاست جنایی را در میان علوم جنایی بررسی کرد. بیش از ۲۵ سال بعد، رندی یودی وابر، استاد دانشگاه و قاضی دادگاه کیفری نورنبرگ، در کتاب «سیاست جنایی و دولت‌های اقتدارگرا» این مفهوم را هنر کشف روش‌های مبارزه با جرم دانست (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۲). پس از جنگ جهانی دوم، با ظهور مکاتب جدید، مفهوم سیاست جنایی گسترش یافت. مارک آنسل که پرچم‌دار دیدگاه موسع در سیاست جنایی بود، معتقد بود که سیاست جنایی علاوه بر جرم، به انحرافات اجتماعی نیز می‌پردازد و بر پیشگیری از جرم تأکید دارد. او سیاست جنایی را به‌عنوان «سازماندهی عقلانی واکنش اجتماعی علیه بزهکاری» تعریف کرد (آنسل، ۱۳۷۵: ۵۱). در سال ۱۹۸۳، می‌ری دلماس‌مارتی، دانشمند فرانسوی، در کتاب «مدل‌ها و جنبش‌های سیاست جنایی» این مفهوم را بسط داد و بیان کرد که سیاست جنایی شامل تمام روش‌هایی است که جامعه برای پاسخ به پدیده مجرمانه به کار می‌گیرد. به عقیده او، این پاسخ‌ها فقط ماهیت کیفری ندارند و شامل نظام‌های حقوقی دیگر مانند نظام اداری، مدنی و انضباطی نیز می‌شوند (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۳). او همچنین جرم و انحراف را نقض هنجارهای اجتماعی دانست، با این تفاوت که جرم نقض هنجارهای قانونی و انحراف نقض هنجارهای اجتماعی بدون

ضمانت اجرای رسمی است. در نتیجه، سیاست جنایی امروز شامل جرم و انحراف می‌شود و تدابیر کیفری، غیرکیفری و پیشگیرانه را در بر می‌گیرد (معنای موسع سیاست جنایی).

۳-۳. تعریف سیاست جنایی

با استفاده از مباحث حقوق دانان و با مدنظر قراردادن سیر تحول سیاست جنایی دو نگرش مضیق و موسع نسبت به این اصطلاح وجود دارد، در مفهوم مضیق سیاست جنایی عبارت از «مجموعه شیوه‌ها و ابزارهای جزائی و سرکوبگرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد.» (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۱) این تعریف در حقیقت همان سیاست کیفری است که امروزه یکی از زیرمجموعه‌های سیاست جنایی به شمار می‌رود. سیاست جنایی در مفهوم موسع و امروزی خود عبارت است از: «مجموعه روش‌هایی که به‌وسیله آن، بدنه اجتماع (هیئت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازماندهی می‌کند.» (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۶) همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این تعریف شامل کلیه تدابیری است که توسط دولت و نهادهای اجتماعی در مقابله با جرم و انحراف سازماندهی می‌شود. با نمود پیدا کردن مباحث توسعه در کشورها و نقش سیاست جنایی در روند برخی از ابعاد آن، تعریف دیگری نیز از سیاست جنایی ارائه شده است که عبارت از: «گستره‌ای از تدابیر توسعه‌محور است که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم کنش‌ها و واکنش‌های ماقبل پیشگیری و پیشگیرانه یا سزا دهنده را از سوی پیکره اجتماع، در رویارویی با پدیده بزهکاری ساماندهی می‌کند» (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۱).

آنچه که در بحث سیاست‌گذاری جنایی محوریت دارد، اهمیت انسان و حقوق فردی و اجتماعی آن است و لذا هدف مهم سیاست‌گذاری جنایی، طراحی نظام پاسخ‌دهی منسجم هیئت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) به پدیده مجرمانه (بزه و انحراف) به‌منظور تضمین امنیت اجتماعی و فردی، ارتقای حقوق قربانیان بزهکاری و جبران مافات از آنان با ترکیب مدبرانه پیشگیری و پاسخ‌دهی کیفری و غیرکیفری است که نتیجه آن «از یک‌سو، دگرگونی و تحول در درون حقوق کیفری یعنی در طبقه‌بندی جرائم، عناصر بزه، ضمانت اجرای کیفری، ویژگی‌های جرائم، مسئولیت کیفری، شیوه دادرسی و... و از سوی دیگر، نزدیک شدن مرزهای حقوق کیفری با سایر رشته‌های حقوق و در نتیجه، ظهور مقوله‌های حداقل دورگه‌ای - دو ریشه‌ای چون میانجیگری کیفری (حقوق کیفری و حقوق مدنی) قلمرو کیفری، دادرسی عادلانه، رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده (حقوق بشر و حقوق کیفری)، جبران عمومی (دولتی) خسارات قربانیان جرائم (حقوق مدنی و حقوق کیفری)، پیشگیری و بازپروری عادلانه (جرم‌شناسی، حقوق بشر، حقوق کیفری) و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی (حقوق کیفری و حقوق اداری) است.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۴۷).

لازمه سیاست‌گذاری جنایی وجود یک بستر حاکمیت سیاسی در یک جامعه است که خود آن

بستر یا حاکمیت سیاسی نیز نمود عینی و مادی ارزش‌های موردنظر لایه‌های اجتماعی یا حاکمیت سیاسی و یا هر دوی آن‌هاست؛ لذا سیاست‌گذاری جنایی می‌بایستی در راستای سیاست‌گذاری عمومی حاکمیت انجام شود و هر گونه سیاست‌گذاری مستقل و بدون توجه به آرمان‌های مستقر در ساختار سیاسی جامعه، اهداف موردنظر را محقق نخواهد کرد.

۳-۴. انواع سیاست جنایی

سیاست جنایی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

سیاست جنایی تقنینی: این نوع سیاست شامل تدوین قوانین کیفری و غیرکیفری است که توسط مراجع قانون‌گذاری تصویب می‌شوند. سیاست جنایی تقنینی، پایه و اساس سیاست جنایی هر کشوری را تشکیل می‌دهد و نشان‌دهنده رویکرد دولت در مقابله با جرم است.

سیاست جنایی قضایی: اجرای قوانین و نحوه تفسیر آن‌ها توسط قضات و نظام قضایی، سیاست جنایی قضایی را شکل می‌دهد. این نوع سیاست شامل آرای قضایی، دستورات قضایی، و عملکرد نهادهای قضایی است که در مواجهه با جرم و انحراف اعمال می‌شود.

سیاست جنایی اجرایی: این نوع سیاست به نحوه اجرای سیاست‌های جنایی توسط نهادهای اجرایی و مشارکت شهروندان و جامعه مدنی در این فرآیند اشاره دارد. سیاست جنایی اجرایی تلاش می‌کند تا با استفاده از رویکردهای مشارکتی، جامعه مدنی را در مدیریت جرم و انحراف درگیر کند.

۴. نظام اداری

واژه نظام که در عرصه‌های مختلف کاربرد دارد، جمع نظم و آن به معنای اجتماع اجزا و قطعات به همه پیوسته در مجموعه‌ای است که با تأثیر در یکدیگر به صورت متقن و هدایت شده اهداف واحد و مشخصی را دنبال می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۴۱) و نظام اداری به ساختار برنامه‌ریزی شده، سازماندهی شده و نهادینه شده مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای کلان دولت اطلاق می‌شود. شاکله نظام اداری را دولت و مأموران دولتی تشکیل می‌دهند. وبر^۱ دولت را نوعی نهاد یا اجتماع انسانی می‌داند که: «مدعی انحصار استفاده مشروع از زور فیزیکی در چارچوب قلمرو معینی است». (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۶۳). در حوزه حقوق اساسی، توسط حقوق‌دانان سه تعریف از دولت ارائه شده است:

۱. دولت، جامعه سیاسی سازمان‌یافته و نهادبندی شده‌ای است که از سایر جوامع متمایز بوده و شخصیت مشخص و متمایزی از عناصر ترکیبی خود دارد، سایر نهادهای سیاسی از آن ناشی شده‌اند و در قالب این مفهوم وسیع جای دارند (قاضی، ۱۳۸۸: ۵۴).

۲. دولت، عبارت از یک عده مردم است که در قلمرو معینی سکونت داشته و مطیع یک قدرت

1. Max Weber

عالیه باشند (قاسم‌زاده، ۱۳۳۴: ۲۷).

۳. دولت، عبارت است از جمعی از افراد انسانی که در سرزمین معینی تشکیل جامعه سیاسی داده و قدرت عالی‌ه‌ای بر آن اعمال حاکمیت می‌نماید. (مدنی، ۱۳۸۲: ۶۳).

در حقوق بین‌الملل از دولت به‌عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل یاد می‌شود چنانچه ماده یک کنوانسیون مونته ویدئو^۱ (۱۹۳۳) دولت را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند: دارای جمعیت دائمی، دارای سرزمین معین، دارای حکومت و دارای حاکمیت (توانایی برقراری روابط با سایر کشورها).

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دولت در دو مفهوم ذیل به کار می‌رود: دولت^۲ به معنی خاص به سازمان‌های اداری و اجرایی کشور گفته می‌شود که اداره آن بر عهده هیئت وزیران بوده و در رأس آن رئیس‌جمهور قرار دارد. دولت^۳ به معنای عام کلیه قوای سه‌گانه و افرادی را که در روابط داخلی و خارجی اعمال حاکمیت و سلطه می‌نمایند شامل می‌شود.

با توجه به تعریفی که از دولت به عمل آمد باید دید منظور از مأموران دولتی ناظر به کدام تعریف از دولت است، با عنایت به اینکه در حقوق کیفری ایران تعریفی از مأموران دولتی به عمل نیامده و صرفاً به ذکر «مأموران دولتی» اکتفا شده است؛ لذا با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری باید گفت: مأمور دولتی شخصی است که مأمور انجام یکی از وظایف مختص قوه مجریه می‌باشد. با ملحوظ داشتن اینکه هدف دولت‌ها حفظ نظم عمومی و ارائه خدمات عمومی به مردم است و اجرای قوانین مرتبط با این دو حوزه و صیانت از نظم عمومی در عرصه‌های مختلف معنا پیدا می‌کند؛ لذا ضرورت دارد سیاست جنایی در نظام اداری ناظر به قوای سه‌گانه باشد و با عنایت به اصل تفکیک قوا، آنچه که از واژه دولت استنباط می‌شود ناظر بر قوه مجریه کشور است؛ لذا واژه «مأموران دولتی» در ارتباط با پدیده مجرمانه و جرائم پیش‌بینی شده، واژه‌ای نارسا بوده و لازم بود یا تعریفی موسع از دولت در قوانین تصریح شود و یا در کنار واژه مذکور به ذکر مصادیق سایر کارکنان حاکمیت هم پرداخته شده و به این ابهام خاتمه داده می‌شد.^۴ این نقیصه در قوانین جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون

1. Monte Video

2. Government

3. state

۴. اگرچه در رویه قضایی به مفهوم عام جمهوری اسلامی ایران مأمور دولتی شخصی تلقی می‌شد که از طریق قانونی به دولت منسوب و ملحق بود و مفهوم دولتی در حقوق کیفری ایران در معنای عام کلمه به کار می‌رفت و اجرای اصل تفسیر مضیق را به استناد تفسیر منطقی و فهم اراده قانون‌گذار مسدود می‌نمودند؛ لذا هرکس در راستای نظم عمومی و مطابق قانون عهده‌دار انجام وظیفه‌ای بود، مأمور دولت محسوب می‌شد؛ زیرا به پشتوانه دولت - حاکمیت اقدام نموده

ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد که در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۷ به تأیید مجمع تشخیصی مصلحت نظام رسید و نیز قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ برطرف گردید به طوری که در این قانون، سخن از دولت و اشخاص عهده‌دار مأموریت‌های عمومی به میان آمده است. در ماده ۲ این قانون، قلمرو آن در بندهای چهارگانه احصاء گردیده که بند الف آن به مواد ۱ تا ۵ قانون خدمات کشوری ارجاع می‌دهد که در آن قانون مفهوم دولت را به کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی (هرچند زیر نظر قوه مجریه نباشد) شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام می‌باشد، توسعه داده است (مستفاد از ماده ۵) و ماده ۷ مفهوم کارمند را این‌گونه تعریف نموده است: «فردی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حکم یا قرارداد مقام صلاحیت‌دار در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می‌شود».

نظام اداری به‌عنوان بخشی از کل حاکمیت، تأثیر مستقیمی بر موفقیت سایر نظام‌ها از جمله نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. تجربه‌های تاریخی نیز نشان داده است که ناکارآمدی نظام اداری می‌تواند مانع توسعه و پیشرفت کشور شود.^۱ اگر چه این تعامل با نظام اداری توسط سایر نظام‌ها هم با شدت کمتری مصداق دارد و متقابلاً نحوه عملکرد سایر نظام‌ها نیز در نظام اداری مؤثر است.

۴-۱. تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی در سیاست جنایی نظام اداری

علم جرم‌شناسی به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای، دانش مطالعه جرم است. در حقیقت جرم‌شناسی

و مظهري از اراده و فعل دولت و افعال آن در این راستا به حساب دولت منظور می‌شد و قصور و تقصیر آن به اعتماد عمومی نسبت به دولت لطمه می‌زد.

۱. تأثیر نظام سیاسی بر برنامه‌های نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و برعکس، انکارناپذیر است لیکن اهمیت نظام اداری در پیشبرد برنامه‌های سایر نظام‌ها ممتاز بوده و عدم عملکرد صحیح این نظام موفقیت سایر نظام‌ها را به طور قابل ملاحظه‌ای متأثر خواهد کرد. شاید بیان یک تجربه تاریخی و نتایج یک مطالعه علمی در این خصوص خالی از لطف نباشد: آقای ابوالحسن ابتهاج در بدو ریاست سازمان برنامه در سال ۱۳۳۳ از کارشناسان خارجی درخواست می‌کند که برای مشاوره به سازمان برنامه به ایران بیایند یکی از این گروه‌ها، گروه مشاورین هاروارد بودند، در آن سال‌ها سازمان برنامه از دو قسمت فنی و اقتصادی تشکیل شده بود که آنان از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۴ مشاوره به قسمت اقتصادی را عهده‌دار بودند و ماحصل تجربه خود را در چند کتاب و مقاله منتشر ساختند که یکی از آن‌ها کتاب «برنامه‌ریزی در ایران» نوشته مک لئود در سال ۱۳۴۲ است، این گروه با وجود اینکه اقتصاددان بودند لیکن عامل اصلی مشکلات ایران را در نظام اداری آن می‌دانند و در این کتاب اعلام می‌نمایند: این جامعه در حال توسعه نمی‌تواند چندان به پیش برود مگر آنکه یکی از ابزارهای اصلی این جامعه یعنی فرایندهای اداری بسیار عقلانی (با تمام مشخصه‌های خوب و بد آن) را پذیرفته باشد دستگاه اداری کارآمد یکی از لوازم گریزناپذیر پیشرفت صنعتی در عصر جدید است و در ایران اصول اساسی مدیریت دولتی رعایت نمی‌شود. (مک لئود، ۱۳۸۰)

به دنبال آن است تا با مطالعه و تحلیل جرم، مجرم، محیط اجتماعی و موقعیت‌های پیش جنایی به شناسایی علل و عوامل بزهکاری پرداخته و پی به چرایی ارتکاب جرم و تکرار آن ببرد، همین سبب شده تا یافته‌های این دانش، کاربردی بوده و در مسیر پیشگیری و کنترل جرم مورد استفاده قرار بگیرد. (نوربها، ۱۳۸۸: ۱۳۰) در باور برخی از دانشمندان، سیاست جنایی بر مبنای رویکرد جدید، پل ارتباطی میان حقوق جزا و جرم‌شناسی است و به کلیه تدابیر، اقدامات، شیوه‌ها و ابزارهای کیفری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اطلاق می‌شود که قانون‌گذار در چارچوب قوانین و مقررات به منظور پیشگیری از پدیده مجرمانه و مبارزه با آن در اختیار مقامات ذیربط دولتی و اجتماعی قرار می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۲۳). در یک تقسیم‌بندی کلی جرم‌شناسی به دو شاخه تقسیم می‌شود:

۴-۱-۱. جرم‌شناسی نظری

یافته‌های جرم‌شناسی در این شاخه در تبیین پدیده مجرمانه و علل ارتکاب آن در نظام اداری معمولاً به بررسی عوامل فردی، ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. مهم‌ترین این عوامل می‌توانند موارد زیر باشند:

الف) عوامل فردی پدیده مجرمانه در نظام اداری:

۱. انگیزه‌های مالی: نیاز یا طمع برای کسب درآمد بیشتر. ۲. ویژگی‌های شخصیتی: ضعف اخلاقی، طمع کاری، یا عدم کنترل بر امیال شخصی. ۳. فقدان آموزش و آگاهی: آگاهی ناکافی از قوانین و پیامدهای جرایم نظام اداری. ۴. احساس بی‌عدالت و تبعیض: احساس اینکه حقوق یا شرایط کاری عادلانه نیست و یا تبعیض وجود دارد.

ب) عوامل ساختاری پدیده مجرمانه در نظام اداری:

۱. فقدان شفافیت: نبود رویه‌های شفاف و استاندارد در فرآیندهای اداری. ۲. نظارت ناکافی و مستقل: عدم وجود سازوکارهای نظارتی مؤثر و مستقل برای پیشگیری از جرایم و تخلفات. ۳. بوروکراسی پیچیده: فرآیندهای اداری پیچیده و زمان‌بر که باعث ایجاد فرصت برای ارتکاب جرم شود. ۴. فقدان الزام به پاسخگویی: عدم وجود ضمانت اجرای پاسخگویی مدیران و کارکنان نظام اداری.

ج) عوامل اجتماعی پدیده مجرمانه در نظام اداری:

۱. فرهنگ سازمانی ناسالم: فرهنگ سازمانی که رفتارهای غیرقانونی و فساد را تحمل یا تشویق کند. ۲. نفوذ روابط به جای ضوابط: استفاده از نفوذ و روابط شخصی بجای حاکمیت قوانین.

د) عوامل اقتصادی پدیده مجرمانه در نظام اداری:

۱. قلت حقوق و مزایا: پایین بودن حقوق و مزایای کارکنان اداری. ۲. شرایط اقتصادی نامناسب:

فشارهای اقتصادی و تورم.

ه) عوامل فرهنگی پدیده مجرمانه در نظام اداری:

۱. عدم پابندی به اخلاق کاری: ضعف در ارزش‌های اخلاقی و عدم تعهد به وظایف حرفه‌ای.
۲. نهادینه شدن فساد: شیوع فساد در سیستم اداری و عادی شدن آن. ۳. عدم آگاهی عمومی: فقدان آگاهی عمومی درباره پیامدهای جرایم اداری و اهمیت گزارش‌دهی فساد.

۲-۱-۴. جرم‌شناسی کاربردی

این نوع از جرم‌شناسی در سه حوزه حقوقی، بالینی و پیشگیری به ترتیب به بررسی و آسیب‌شناسی قوانین و سیاست‌های جنایی، اصلاح و درمان بزه‌کاران و پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم می‌پردازد (گسن، ۱۳۷۰: ۳) یافته‌های این شاخه از جرم‌شناسی در نظام اداری را می‌توان در قالب سه محور اصلی ذیل مورد بررسی قرارداد:

الف) حوزه حقوقی: جرم‌شناسی کاربردی در حوزه حقوقی، به قانون‌گذاران و دستگاه‌های اجرایی نظام اداری کمک می‌کند تا قوانین و مقررات مؤثرتری برای مقابله با جرایم و تخلفات اداری تدوین کنند. اهم این کمک‌ها می‌تواند موارد زیر باشد: ۱. شناسایی خلاءهای قانونی: بررسی جرایم رایج در نظام اداری و شناسایی فقدان قوانینی که به وقوع جرایم کمک می‌کند. ۲. احصاء ضعف قوانین و مجازات‌های جاری: قوانین ناکارآمد و یا مجازات‌های غیرمؤثر باعث کاهش بازدارندگی می‌شود. ۳. کمک به تعریف رویه‌های مشخص برخورد با جرایم: فقدان رویه‌های تعریف شده و شفاف برای برخورد با جرایم و تخلفات موجب اقدامات سلیقه‌ای در سیستم خواهد شد.

ب) حوزه بالینی: تحقیقات جرم‌شناسی در حوزه بالینی، به بررسی عوامل روانی و شخصیتی مرتکبان جرایم می‌پردازد. این یافته‌ها به شناسایی الگوهای رفتاری مجرمان کمک می‌کند و در تدوین برنامه‌های پیشگیرانه در نظام اداری مؤثر است. اهم این عوامل می‌توانند موارد زیر باشد: ۱. اختلالات شخصیتی و روانی: اختلالاتی مانند خودشیفتگی، روان‌پریشی خفیف یا رفتارهای ضداجتماعی. ۲. فشارهای محیطی و اجتماعی: استرس‌های شغلی، نارضایتی از محیط کار، و فشارهای اقتصادی.

ج) پیشگیری: جرم‌شناسی کاربردی در حوزه پیشگیری به ارائه راهکارهایی برای کاهش جرایم نظام اداری و تخلفات در سازمان‌ها می‌پردازد. این راهکارها می‌توانند شامل اقدامات زیر باشد: ۱. ارتقاء فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای در نظام اداری: الف) برگزاری دوره‌های آموزش: برگزاری دوره‌های آموزش برای کارکنان نظام اداری درباره مسائل اخلاق حرفه‌ای و ارزش‌های سازمانی، قوانین اداری و پیامدهای جرایم و تخلفات. ب) ترویج فرهنگ پاسخگویی: ترویج فرهنگ پاسخگویی در بین مدیران و کارکنان نظام اداری. ج) تقدیر از رفتارهای سالم: شناسایی و تشویق

کارکنانی که به اصول اخلاقی پایبند هستند. ۲. ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی داخلی در نظام اداری: ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی داخلی یک اقدام پیشگیرانه مؤثر برای مبارزه با جرایم، تخلفات و فساد در نظام اداری است. این سیستم‌ها با ایجاد کانال‌های امن و محرمانه، حمایت از گزارش‌دهندگان، و بررسی سریع و دقیق گزارش‌ها می‌توانند به افزایش شفافیت و کاهش فساد در سازمان‌ها کمک کنند، اهم اقدامات کلیدی برای طراحی و پیاده‌سازی آن بشرح ذیل است:

الف) تصویب قوانین و سیاست‌های حمایتی: برای راه‌اندازی سیستم‌های گزارش‌دهی داخلی در نظام اداری، ابتدا باید چارچوب‌های قانونی مشخصی تدوین شود که حمایت‌های لازم را برای گزارش‌دهندگان تضمین کند. این اقدامات می‌تواند شامل موارد زیر شود: ۱. تصویب قوانین ضد تلافی‌جویی: تصویب مقرراتی که از کارکنانی که جرایم و تخلفات را گزارش می‌دهند، در برابر اقدامات تلافی‌جویانه مانند اخراج، تنزل شغلی، یا تهدید محافظت کند. ۲. حفظ محرمانگی: تضمین حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی گزارش‌دهندگان و جلوگیری از افشای هویت آن‌ها. ۳. ایجاد واحد ویژه رسیدگی به گزارش‌ها: تشکیل یک کمیته یا واحد مستقل که مسئول بررسی و رسیدگی به گزارش‌های دریافتی باشد.

ب) طراحی کانال‌های امن و محرمانه برای گزارش‌دهی در نظام اداری: ایجاد کانال‌های ارتباطی متنوع و امن که در دسترس همه کارکنان و ذی‌نفعان قرار گیرد. نمونه‌هایی از این کانال‌ها عبارتند از: ۱. پلتفرم‌های آنلاین گزارش‌دهی: طراحی سامانه‌های دیجیتال امن که کارکنان بتوانند تخلفات را به‌صورت ناشناس گزارش دهند. ۲. خطوط تلفن ویژه و محرمانه: اختصاص شماره تلفن‌های ویژه برای دریافت گزارش‌های تلفنی از جرائم و تخلفات. ۳. صندوق‌های فیزیکی گزارش‌دهی: نصب صندوق‌های فیزیکی در محل کار برای ارائه گزارش‌های کتبی به‌صورت ناشناس. ۴. آدرس ایمیل محرمانه: ایجاد ایمیل‌های اختصاصی برای گزارش تخلفات با حفظ امنیت اطلاعات.

ج) آموزش کارکنان و ترویج فرهنگ گزارش‌دهی در نظام اداری: برای موفقیت سیستم‌های گزارش‌دهی، باید فرهنگ سازمانی مناسبی ایجاد شود که کارکنان را به گزارش تخلفات تشویق کند. اهم اقدامات در این زمینه می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: ۱. آموزش‌های دوره‌ای: برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان درباره اهمیت و نحوه گزارش‌دهی. ۲. ترویج ارزش‌های اخلاقی: ترویج فرهنگ صداقت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری در سازمان‌ها. ۳. تشویق گزارش‌دهندگان: ایجاد مشوق‌هایی برای افرادی که تخلفات را گزارش می‌دهند، مانند: اختصاص جوایز مالی برای افرادی که گزارش‌های مؤثری ارائه می‌دهند، قدردانی از گزارش‌دهندگان به‌صورت ناشناس در جلسات سازمانی یا گزارش‌های دوره‌ای و همچنین اعطای گواهی‌نامه‌های اخلاقی به افرادی که در راستای

ارتقای شفافیت و مبارزه با فساد اداری کمک کرده‌اند.

د) ایجاد سازوکارهای بررسی و پاسخگویی به گزارش‌ها در نظام اداری: پس از دریافت گزارش‌های تخلفات، لازم است فرآیندهای مؤثر زیر برای بررسی و رسیدگی به آن‌ها اجرا شود: ۱. بررسی اولیه گزارش‌ها: تفکیک گزارش‌های مهم و مستند از موارد کم‌اهمیت یا فاقد مستندات کافی. ۲. رسیدگی سریع و بی‌طرفانه: بررسی تخلفات گزارش شده به صورت سریع، دقیق، و بدون سوگیری. ۳. اطلاع‌رسانی به گزارش‌دهندگان: ارائه بازخورد به گزارش‌دهندگان درباره وضعیت و نتیجه بررسی جرایم و تخلفات گزارش شده.

ه) ایجاد ضمانت‌های اجرایی برای پیشگیری از جرایم و تخلفات در نظام اداری: بدون ضمانت اجرایی قوی، سیستم گزارش‌دهی داخلی کارآمد نخواهد بود. اقدامات ذیل‌الذکر در این زمینه حائز اهمیت است: ۱. اعمال مجازات برای تخلفات اثبات شده: اجرای مجازات‌های انضباطی یا قانونی برای افرادی که مرتکب جرایم و تخلفات اداری شده‌اند. ۲. مجازات اقدامات تلافی‌جویانه: در صورت اثبات اقدامات تلافی‌جویانه علیه گزارش‌دهندگان، مجازات‌های سخت‌گیرانه‌ای اعمال شود.

و) استفاده از فناوری برای بهبود سیستم‌های گزارش‌دهی: استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند امنیت و کارآمدی سیستم‌های گزارش‌دهی را افزایش دهد، از قبیل: ۱. بهره‌گیری از هوش مصنوعی: برای تحلیل گزارش‌ها و شناسایی الگوهای تکراری در تخلفات. ۲. استفاده از بلاک‌چین^۱: برای حفظ امنیت و یکپارچگی داده‌های گزارش‌های دریافتی. ۳. ایجاد اپلیکیشن‌های موبایل: طراحی اپلیکیشن‌های امن که کارکنان بتوانند به راحتی جرایم و تخلفات را گزارش دهند.

ز) ارزیابی مستمر سیستم گزارش‌دهی: ارزیابی دوره‌ای سیستم‌های گزارش‌دهی برای شناسایی نقاط ضعف و بهبود آن‌ها.

ح) بهبود شرایط کارکنان نظام اداری: ۱. افزایش حقوق و مزایا: تنظیم حقوق کارکنان بر اساس نرخ تورم و هزینه‌های زندگی. ۲. ایجاد انگیزه‌های مالی: اعطای پاداش‌های تشویقی برای عملکرد سالم و اخلاقی. ۳. ایجاد فرصت‌های رفاهی: ارائه تسهیلات مالی و رفاهی برای بهبود کیفیت زندگی کارکنان. ۴. تشویق رفتارهای مثبت: استفاده از سیستم‌های پاداش‌دهی برای کارکنانی که رفتارهای مثبت و اخلاق‌مدارانه از خود نشان می‌دهند.

ط) ارتقاء شفافیت و پاسخگویی در نظام اداری: ۱. شفاف‌سازی فرآیندهای اداری: طراحی

۱. بلاکچین (Blockchain) مانند یک دفترچه ذخیره اطلاعات است که اطلاعات را داخل بخش‌هایی به نام بلوک ذخیره می‌کند و هر یک از اعضای شبکه، یک نسخه کپی از آن را در اختیار دارد. اگر کسی قصد تغییر یا دخالت در اطلاعات بلاکچین را داشته باشد، بقیه اعضا نیز متوجه خواهند شد. پس تغییر آن غیرممکن است.

فرایندهای خدمات اداری^۱ cpm و اجرای رویه‌های مشخص و استاندارد در تمامی امور نظام اداری و نصب آن برای هریک از کارها در معرض دید ارباب رجوع. ۲. ایجاد سامانه‌های الکترونیکی: کاهش دخالت مستقیم کارکنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری از طریق دیجیتالی کردن خدمات. ۳. گزارش‌دهی عمومی: انتشار اطلاعات مربوط به عملکرد و تصمیمات مدیریتی در دسترس عموم. ۴. تقویت نظارت و بازرسی در نظام اداری: ۱. ایجاد نهادهای مستقل نظارتی: تقویت سازمان‌های نظارتی و تضمین استقلال آن‌ها و استفاده از سمن‌ها. ۲. بازرسی‌های دوره‌ای: انجام بازرسی‌های منظم و پیش‌بینی‌نشده برای شناسایی جرایم و تخلفات احتمالی.

۵. ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری

در تعریف ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری علاوه بر یافته‌های جرم‌شناسی نظری و کاربردی لازم است از مؤلفه‌های ذیل نیز استفاده شود:

۵-۱. مؤلفه‌های فلسفی

در بررسی ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری، توجه به مؤلفه‌های فلسفی در تدوین این سیاست‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سیاست جنایی در نظام اداری باید به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر برخورد قاطع با جرایم و تخلفات، زمینه‌های پیشگیری و اصلاح را نیز فراهم کند. نقش مؤلفه‌های فلسفی در تدوین سیاست‌های جنایی، به ویژه توجه به حقوق اساسی ملت‌ها، ارزش‌ها و باورهای جامعه (فرهنگ) و مشارکت نهادهای دولتی و مردمی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و اثربخشی این سیاست‌ها منجر شود. نقش این مؤلفه‌ها از سه منظر حائز اهمیت است:

الف) از منظر تدوین و اجرا: افراد هر جامعه‌ای انتظار دارند تا در تدوین سیاست‌های جنایی در نظام اداری به اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و مسلمات اخلاقی آن جامعه توجه شود و در صورتی که سیاست‌های مدون را فاقد این ویژگی‌ها بدانند نه تنها در تبعیت از آن‌ها رغبتی نشان نخواهند داد چه بسا به جای مشارکت در اجرا در مقابل آن صف آرایي نمایند؛ لذا ایجاب می‌نماید در تدوین این سیاست‌ها به اعتقادات و ارزش‌های مردم تا آنجائی که مغایرتی با یافته‌های مسلم علمی نداشته باشد توجه ویژه‌ای بعمل آید.

ب) از منظر حاکمیت سیاسی: از آنجائی که حاکمیت سیاسی غالباً قدرت خود را از مردم اخذ می‌نماید و برای بقای خود نیازمند سرمایه اجتماعی می‌باشد؛ لذا ترجیح می‌دهد ایدئولوژی، باورها و ارزش‌های اجتماعی را در تدوین سیاست جنایی بگنجانند و از آن‌ها حمایت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری داشته باشد.

ج) از منظر جامعه علمی و الیت اجتماعی: نخبگان علمی و پیشروان روشنفکر جوامع جهت صیانت از فرهنگ، رشد اجتماعی و توسعه جامعه در استفاده از مؤلفه‌های فلسفی در سیاست جنایی احساس مسئولیت مضاعفی می‌نمایند؛ مگر مواقعی که باورها و اعتقادات آحاد اجتماعی و حاکمیت سیاسی برخلاف مسلمات علمی و یافته‌های عقلانی باشد که در این صورت با هزینه‌کرد معنوی در جهت اصلاح نگرش اجتماعی برمی‌آیند و در بسیاری از مواقع با مقاومت اجتماعی و نظام سیاسی مواجه می‌شوند.

۲-۵. مؤلفه‌های تجربی

بعضی گفته‌اند تجربه مادر علم است. به عبارت دیگر یافته‌های تجربی گاهی ما را به علم رهنمون می‌شوند، سیاست جنایی در نظام اداری نیز تحولات و سیر تکامل خود را مرهون ارائه تئوری و سپس اجرای تئوری‌ها و بررسی و مشاهده آثار اجرایی آن‌ها در طول زمان بوده، به طوری که در مسیر تکامل خود از نگرش و برخورد صرفاً فقه‌آمیز و تنبیهی توسط مقامات دولتی با مجرم به رویکرد جدید توسل به پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری هیئت اجتماع در مواجهه با پدیده مجرمانه رسیده است. نمونه‌هایی از نقش مؤلفه‌های تجربی در تدوین سیاست جنایی مطلوب بشرح ذیل می‌باشد:

الف) نقش مؤلفه‌های تجربی در تغییر نگرش سیاست‌گذاران سیاسی: مؤلفه‌های تجربی در این تغییر نگرش می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر کارآمدی و اثربخشی سیاست‌های مربوط به مقابله با جرایم و تخلفات اداری، فساد و حفظ سلامت نظام اداری داشته باشد. این دستاوردها از طریق بررسی نتایج عملی و آزمودن الگوهای سیاست‌گذاری، زمینه تغییر نگرش و بهبود تصمیم‌گیری را فراهم می‌کنند. در اینجا به برخی از مصادیق دستاوردهای مؤلفه‌های تجربی اشاره می‌شود:

۱. دستاورد تجربی اثبات تأثیر اقدامات پیشگیرانه در کاهش جرایم و تخلفات: تجربه نشان داده که سیاست‌گذاران به جای تمرکز صرف بر اقدامات کیفری، باید به سمت سیاست‌های پیشگیرانه مانند آموزش کارکنان، شفافیت اداری، ارتقای اخلاق حرفه‌ای و... حرکت کنند. نمونه‌های اجرایی: طرح «صداقت در خدمت» در کشور سنگاپور (CPIB) (کمیسیون مبارزه با فساد سنگاپور)

در سنگاپور، یک برنامه جامع پیشگیرانه با نام Service Integrity in Public (صداقت در خدمت عمومی) اجرا شد که شامل آموزش‌های اخلاقی مستمر به کارکنان، نظارت بر عملکرد و تشویق رفتارهای سالم بود که نتیجه اجرای این طرح عبارت است از: کاهش چشمگیر فساد اداری از ۸۶ مورد در هر ۱۰۰ هزار کارمند در دهه ۱۹۸۰ به کمتر از ۲۰ مورد در دهه ۲۰۱۰، افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی، کاهش هزینه‌های مبارزه با تخلفات و پرونده‌های کیفری.

۲. نتایج تجربی اجرای سیاست‌های شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام اداری: شفافیت اداری و

پاسخ‌گویی تأثیر قابل توجهی بر کاهش فساد و تخلفات اداری دارد. نمونه اجرایی: ایجاد سامانه شفافیت قراردادهای دولتی در اوکراین (ProZorro): (وبسایت رسمی ProZorro) اوکراین پس از مواجهه با فساد گسترده، یک سامانه شفافیت قراردادهای دولتی به نام ProZorro راه‌اندازی کرد که امکان مشاهده تمام مناقصات و قراردادهای دولتی را به عموم مردم می‌دهد که نتایج این اقدام عبارت است از: صرفه‌جویی سالانه بیش از ۱ میلیارد دلار در هزینه‌های عمومی، کاهش ۴۵ درصدی تخلفات مرتبط با مناقصات دولتی، افزایش مشارکت بخش خصوصی در قراردادهای دولتی.

۳. دستاوردهای تجربی در حمایت از افشاگران تخلفات: حمایت قانونی و اجرایی از افشاگران تخلفات، موجب افزایش شناسایی فساد و کاهش جرایم و تخلفات اداری می‌شود. نمونه اجرایی: قانون «حمایت از افشاگران» در کره جنوبی (کمیسئون ضد فساد و حقوق مدنی کره جنوبی) کره جنوبی در سال ۲۰۰۱ قانون حمایت از افشاگران را تصویب کرد که بر اساس آن، افشاگران فساد از حمایت قانونی برخوردار می‌شوند و اطلاعات هویتی آن‌ها به صورت محرمانه نگهداری می‌شود که نتیجه اجرای این قانون عبارت است از: افزایش ۲۵ درصدی گزارش‌های تخلفات اداری در سه سال اول اجرای قانون، کشف و برخورد با بیش از ۱۰۰ پرونده فساد بزرگ دولتی، کاهش ترس کارکنان از گزارش تخلفات.

۴. دستاوردهای تجربی استفاده از فناوری‌های نوین در نظام اداری: استفاده از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های الکترونیکی و هوش مصنوعی در فرآیندهای اداری باعث افزایش شفافیت، کاهش تخلفات و افزایش سرعت رسیدگی به پرونده‌های تخلف می‌شود. نمونه اجرایی: سامانه هوشمند مبارزه با فساد در برزیل (e-SIC)

دولت برزیل یک سامانه آنلاین به نام e-SIC راه‌اندازی کرد که دسترسی عمومی به اطلاعات دولتی و امکان گزارش تخلفات را فراهم می‌کند که نتایج این اقدام عبارت است از: کاهش ۲۸ درصدی پرونده‌های فساد در سازمان‌های دولتی، افزایش رضایت عمومی از خدمات دولتی، کاهش مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های تخلفات اداری.

۵. دستاوردهای تجربی در اصلاح نظام رسیدگی به جرایم و تخلفات اداری: کشورهایی که نظام رسیدگی به جرایم و تخلفات اداری را اصلاح کرده‌اند، نشان داده که استقلال مراجع و هیئت‌های رسیدگی و کاهش بوروکراسی می‌تواند باعث افزایش عدالت و کاهش فساد شود. نمونه اجرایی: ایجاد «دفتر خدمات انضباطی» در نیوزلند (کمیسئون خدمات عمومی نیوزلند) نیوزلند یک نهاد مستقل به نام State Services Commission (دفتر خدمات انضباطی) ایجاد

کرد که وظیفه رسیدگی به تخلفات اداری را به صورت مستقل و غیرسیاسی بر عهده دارد. نتیجه ایجاد این دفتر: کاهش نفوذ سیاسی در رسیدگی به تخلفات اداری، تسریع در صدور آرا و کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها به نصف، افزایش عدالت در رسیدگی به تخلفات.

۶. نتایج تجربی در اعمال رویکردهای ترمیمی به جای تنبیهی: رویکردهای عدالت ترمیمی در جرایم و تخلفات اداری، به جای تمرکز بر مجازات‌های شدید، بر اصلاح رفتار و جبران خسارت مؤثر بوده و این امر اثربخشی بیشتری داشته است. نمونه اجرایی: برنامه عدالت ترمیمی در سازمان‌های دولتی کانادا.

در کانادا، برخی از سازمان‌های دولتی به جای تنبیه شدید کارکنان متخلف، از رویکردهای عدالت ترمیمی استفاده می‌کنند که شامل جلسات مشاوره و جبران خسارت است و نتایج آن عبارت است از: کاهش ۴۰ درصدی تکرار تخلفات در بین کارکنان متخلف، بهبود روحیه کارکنان و کاهش نگرانی از اشتباهات کوچک، تقویت اعتماد کارکنان به نظام اداری.

۷. نتایج تجربی در فرهنگ‌سازی و آموزش کارکنان اداری: آموزش مداوم و فرهنگ‌سازی در زمینه اخلاق حرفه‌ای و مبارزه با فساد تأثیر عمیقی بر کاهش جرایم و تخلفات اداری دارد. نمونه اجرایی: طرح آموزش اخلاق حرفه‌ای در آلمان (آکادمی مدیریت عمومی آلمان)
آلمان یک برنامه آموزشی مستمر برای کارکنان دولت در زمینه اخلاق حرفه‌ای و مبارزه با فساد راه‌اندازی کرد که بطور مرتب به‌روز می‌شود. نتیجه اجرای این طرح: کاهش ۳۳ درصدی تخلفات اداری در بازه پنج‌ساله، افزایش آگاهی کارکنان از حقوق و تکالیف خود، بهبود فرهنگ‌سازمانی و افزایش وجدان کاری.

دستاوردها در تغییر نگرش سیاست‌گذاران		
مؤلفه تجربی	نتیجه عملی	نمونه اجرایی
سیاست‌های پیشگیرانه	کاهش تخلفات و افزایش اعتماد عمومی	طرح "صداقت در خدمت" سنگاپور
شفافیت و پاسخ‌گویی	کاهش هزینه‌ها و افزایش مشارکت بخش خصوصی	سامانه ProZorro اوکراین
حمایت از افشاگران	افزایش گزارش‌های تخلفات و کشف فسادهای بزرگ	قانون حمایت از افشاگران کره جنوبی
استفاده از فناوری‌های نوین	کاهش تخلفات و افزایش رضایت عمومی	سامانه e-SIC برزیل
اصلاح نظام رسیدگی به	تسریع در رسیدگی و افزایش عدالت	دفتر خدمات انضباطی نیوزلند

تخلفات		
عدالت ترمیمی	کاهش تکرار تخلفات و بهبود روحیه کارکنان	برنامه کانادا
آموزش و فرهنگ‌سازی	کاهش تخلفات و بهبود فرهنگ‌سازمانی	برنامه آلمان

تحول نگرش‌های ایجاد شده، نتیجه کاربست تجربی تئوری‌های ارائه شده و تجزیه و تحلیل نتایج آن بوده و قطعاً دستاوردهای تجربی آینده بر غنای تأثیرات آن‌ها بر مدیریت پدیده مجرمانه خواهد افزود؛ لذا سیاست‌گذاران سیاست جنایی در حوزه نظام اداری نایستی از به‌کارگیری مؤلفه‌های تجربی در تدوین و اجرای سیاست‌های جنایی غافل شوند.

۳-۵. استفاده از مؤلفه‌های عقلانی در تدوین سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری

استفاده از مؤلفه‌های عقلانی در تدوین سیاست جنایی، رویکردی اساسی برای بهبود کارآمدی، اثربخشی و عدالت محوری در نظام اداری است. عقلانیت به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد که به جای تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و غیرعلمی، بر اساس تحلیل داده‌ها، شواهد تجربی و استدلال‌های منطقی سیاست‌گذاری کنند. این رویکرد می‌تواند به کاهش تخلفات اداری، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد عمومی کمک کند.

۳-۱. تحلیل داده‌محور و تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد

یکی از مؤلفه‌های عقلانی مهم در تدوین سیاست جنایی، تحلیل داده‌ها و استفاده از شواهد تجربی برای شناسایی الگوهای جرایم و تخلفات اداری و نقاط ضعف نظام اداری است. آثار این سیاست‌گذاری عبارت است از: شناسایی دلایل اصلی وقوع تخلفات از طریق تحلیل آماری، تدوین سیاست‌های پیشگیرانه بر اساس داده‌های واقعی، جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و غیرعلمی. در کشورهای پیشرفته، سامانه‌های دیجیتال برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به جرایم و تخلفات اداری ایجاد شده‌اند که با تحلیل آن‌ها، الگوهای جرایم و تخلفات شناسایی می‌شوند و سیاست‌های جدید بر اساس این تحلیل‌ها طراحی می‌گردند، بطور مثال: ایالات متحده آمریکا با برنامه‌هایی مانند «CompStat Program» در نیویورک از تحلیل داده‌ها برای تخصیص منابع پلیس و پیشگیری از جرم استفاده می‌کنند. این برنامه با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های جرایم، به شناسایی نقاط جرم‌خیز و تخصیص بهینه نیروهای پلیس کمک می‌کند (Silverman, E. B.: 1999). همچنین پلیس انگلستان با استفاده از داده‌های تاریخی جرایم و تحلیل آن‌ها، الگوهای وقوع جرم را شناسایی کرده و در برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه و تخصیص منابع از این اطلاعات بهره می‌برد. به عنوان مثال، پروژه‌هایی مانند «Predictive Policing» در برخی مناطق انگلستان اجرا شده است (Ferguson, A. G.: 2017).

۵-۳-۲. توجه به تحلیل هزینه - فایده در اجرای سیاست‌های جنایی

این تحلیل کمک می‌کند تا سیاست‌گذاران به جای اجرای سیاست‌های پرهزینه و ناکارآمد، بر اقدامات کم‌هزینه و اثربخش تمرکز کنند، آثار این سیاست‌گذاری عبارت است از: کاهش هزینه‌های رسیدگی به جرایم و تخلفات اداری، اجرای سیاست‌های پیشگیرانه به جای مجازات‌های سنگین، بهره‌گیری از منابع مالی و انسانی به صورت بهینه. به طور مثال در سنگاپور، سیاست‌گذاران به جای افزایش هزینه‌های نظارتی، بر شفافیت و آموزش کارکنان متمرکز شدند که منجر به کاهش تخلفات اداری شد.

۵-۳-۳. تأکید بر شفافیت و پاسخ‌گویی

شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای اداری باعث کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی می‌شود. آثار این سیاست‌گذاری عبارت است از: کاهش امکان مداخلات غیرقانونی در رسیدگی به جرایم و تخلفات اداری، افزایش اعتماد عمومی به نظام اداری، تضمین عدالت در رسیدگی به جرایم و تخلفات. به طور مثال همان‌طوری که قبلاً نیز بیان گردید در اوکراین، سامانه ProZorro باعث افزایش شفافیت در مناقصات دولتی شد و میزان تخلفات اداری را کاهش داد.

۵-۳-۴. ارزیابی ریسک و مدیریت پیشگیرانه

عقلانیت ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاران به ارزیابی ریسک وقوع جرایم و تخلفات در بخش‌های مختلف نظام اداری بپردازند و سیاست‌های پیشگیرانه را تدوین کنند. آثار این سیاست‌گذاری عبارت است از: شناسایی بخش‌های پرخطر در نظام اداری، تدوین سیاست‌های پیشگیرانه برای افزایش ریسک جرایم و تخلفات، تمرکز بر پیشگیری به جای برخورد صرف پس از وقوع جرایم و تخلفات. به طور مثال در کانادا، سازمان‌های دولتی موظف به ارزیابی ریسک فساد در بخش‌های مختلف خود هستند و سیاست‌های متناسب را برای کاهش این ریسک اجرا می‌کنند.^۱

۵-۳-۵. استفاده از فناوری‌های نوین برای هوشمندسازی نظام اداری

عقلانیت ایجاب می‌کند که در تدوین سیاست جنایی در نظام اداری از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های الکترونیکی، هوش مصنوعی و بلاک چین استفاده شود که این اقدام آثار زیر را خواهد داشت: کاهش مداخلات انسانی و خطای انسانی در رسیدگی به جرایم و تخلفات، افزایش سرعت و دقت در رسیدگی به پرونده‌ها، ایجاد شفافیت و دسترسی عمومی به اطلاعات. به طور مثال

۱. قانون حفاظت از افشاگران کارکنان دولتی کانادا (Public Servants Disclosure Protection Act) به عنوان بخشی از تلاش‌های کانادا برای مبارزه با فساد و ارتقاء شفافیت در بخش عمومی، سازمان‌های دولتی را ملزم به ارزیابی ریسک فساد و اجرای سیاست‌های مناسب برای کاهش آن می‌کند.

همان‌طوری که قبلاً هم ذکر شد، در برزیل، سامانه e-SIC به‌عنوان یک سامانه دیجیتال برای ثبت و رسیدگی به جرایم و تخلفات اداری ایجاد شد و باعث کاهش تخلفات و افزایش اعتماد عمومی شد.

۵-۳-۶. توجه به عدالت ترمیمی به‌جای عدالت تنبیهی

سیاست‌های عقلانی به دنبال اصلاح رفتار متخلفان و جبران خسارت به‌جای صرفاً مجازات آن‌ها هستند که آثار آن عبارت است از: کاهش تکرار جرایم و تخلفات در نظام اداری، جلب همکاری کارکنان برای اصلاح رفتار خود، کاهش بار قضایی و هزینه‌های دادرسی. به‌طور مثال همان‌طوری که قبلاً ذکر شد در کانادا استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در تخلفات اداری باعث کاهش نرخ تکرار تخلفات شده است.

۵-۳-۷. آموزش و توانمندسازی کارکنان اداری

یکی دیگر از مؤلفه‌های عقلانی، آموزش مداوم کارکنان اداری برای آشنایی با قوانین، اصول اخلاقی و روش‌های مقابله با جرایم و تخلفات است که آثار زیر را خواهد داشت: افزایش آگاهی کارکنان از حقوق و وظایف خود، کاهش جرایم و تخلفات ناشی از ناآگاهی، بهبود فرهنگ سازمانی و تقویت وجدان کاری. به‌طور مثال همان‌طوری که ذکر شد در آلمان، برنامه‌های آموزش اخلاق حرفه‌ای به کارکنان دولت ارائه می‌شود که تأثیر مثبتی بر کاهش تخلفات اداری داشته است.

۵-۳-۸. عطف توجه به ویژگی‌های حقوقی «حکمرانی خوب»

به‌زمامداری یا حکمرانی خوب^۱ از دهه ۱۹۸۰ به بعد وارد ادبیات علوم انسانی و به ویژه علوم سیاسی، حقوق عمومی و حقوق بشر شده است. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۸۹ حکمرانی خوب را برای نخستین‌بار به‌عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضائی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرد (Stowe, Kenneth, 1992: 387). این بانک شش شاخص را که از سوی نهادهای بین‌المللی به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی خوب^۲ مورد پذیرش همگانی قرار گرفته مشخص کرده است که عبارتند از:

۱. پاسخگویی و حق اظهارنظر: میزان آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و توانایی مردم برای مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی، تضمین حقوق مدنی و سیاسی شهروندان، از جمله حق اعتراض و نظارت بر دولت.

۲. کیفیت مقررات^۳: توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های مقرراتی که به توسعه بخش

1. Good Rulling

۲. این مؤلفه‌ها به عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی (Worldwide Governance Indicators - WGI) شناخته می‌شوند و توسط بانک جهانی برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها در کشورهای مختلف استفاده می‌شوند.

3. Regulatory Quality

خصوصی و رفاه اقتصادی کمک می‌کند، وجود مقررات شفاف و عادلانه برای کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاران.

۳. اثربخشی دولت: کیفیت خدمات عمومی، سیاست‌گذاری دولت و اجرای قوانین، شایستگی کارمندان دولتی و عدم وجود فساد در بخش‌های عمومی، توانایی دولت در اجرای برنامه‌ها و ارائه خدمات به شهروندان.

۴. ثبات سیاسی و نبود خشونت^۱: توانایی دولت در حفظ ثبات سیاسی و جلوگیری از بحران‌ها، درگیری‌ها و خشونت‌های داخلی یا خارجی، کاهش تهدیدات ناشی از کودتا، تروریسم و جنگ داخلی.

۵. حاکمیت قانون: میزان احترام و اجرای قوانین در جامعه، عملکرد سیستم قضایی، امنیت حقوق مالکیت، و کاهش فساد در سیستم حقوقی، وجود مکانیزم‌هایی برای حل و فصل اختلافات و اجرای قراردادها.

۶. کنترل فساد^۲: میزان مبارزه با فساد در بخش‌های عمومی و خصوصی، جلوگیری از سوءاستفاده مقامات دولتی از قدرت برای منافع شخصی، شفافیت در امور مالی و هزینه‌های دولتی (Kaufmann al, 2005: 5).

سیاست جنایی باید بر مبنای اصول حکمرانی خوب طراحی شود، به‌ویژه با تأکید بر شفافیت، پاسخگویی و مشارکت شهروندان. این ویژگی‌ها نه تنها موجب کارآمدی بیشتر سیاست‌های جنایی می‌شود؛ بلکه به ارتقاء اعتماد عمومی نیز کمک خواهد کرد.

۵-۳-۹. رعایت ملاحظات اقتصادی، در تدوین سیاست جنایی

بدون تردید از منظر عقلانیت اجرای هر برنامه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری مستلزم داشتن اعتبار و تخصیص منابع است. در دنیای واقعی کشورها با لحاظ هزینه و فایده نسبت به تخصیص منابع اقدام می‌نمایند و این یکی از شاخص‌های سنجش کیفی دموکراسی است؛ بنابراین در این خصوص می‌بایستی به دو امر توجه ویژه‌ای مبذول شود:

نخست، سیاست‌گذاران سیاست جنایی می‌بایستی توجه نمایند که بسیاری از سیاست‌های جنایی جنبه حاکمیتی داشته و صرف نداشتن توجیه اقتصادی و یا هزینه - فایده، توجیه مناسب برای عدم تخصیص منابع نخواهد بود؛ بلکه آنچه که می‌بایستی در تخصیص منابع موردتوجه قرار گیرد، اولویت‌دادن به برنامه‌های مهم‌تر سیاست جنایی با ملحوظ‌داشتن منافع اجتماعی و ملی است.

دوم اینکه کنشگران حوزه سیاست جنایی می‌بایستی با تحلیل و ارائه نتایج حاصل از برنامه‌های

1. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism

2. Control of Corruption

جاری سیاست جنایی در تنزل بزه و انحراف و آثار اقتصادی آن‌ها نسبت به اخذ اعتبار برای طراحی و اجرای سیاست‌های جدید یا اصلاح و ترمیم سیاست‌های جاری اقدام نمایند.

۵-۳-۱۰. لزوم توجه به مبانی توسعه در تدوین سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری

از دیدگاه سازمان ملل، توسعه فرایندی است که دیدگاه مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه یکپارچه می‌کند که اگر این فرایند بهبود زندگی انسان بدون تخریب محیط‌زیست و همراه با عدالت اجتماعی باشد و با کمترین نوسان ادامه یابد، توسعه پایدار خواهد بود (رضایی، ۱۳۸۸: ۳۴).

سیاست جنایی توسعه‌مدار از پیشرفت‌های اجتماعی در مدیریت‌های خود بهره می‌برد، تمام امکانات خود را در پیشبرد اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای متمرکز می‌کند و با تحولات اجتماعی و شرایط زمانی و مکانی آن، رسالت‌ها و برنامه‌های خود را متحول و روزآمد می‌کند. همچنین با توجه به اینکه توسعه دارای بعد فراملی بوده و عموماً جنبه منطقه‌ای و بین‌المللی دارد سیاست جنایی توسعه‌مدار، خود را در این سطح گسترش داده و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در سیاست‌های خود لحاظ می‌نماید (رضایی، ۱۳۸۸: ۷۳).

۵-۳-۱۱. لحاظ اصول، قوانین و مقررات الزام‌آور داخلی و فراملی زیر در تدوین سیاست

جنایی مطلوب در نظام اداری

الف) قانون اساسی: این قانون اصول راهبردی مانند اصل قانونی بودن، اصل پیشگیری از بزه، اصل اصلاح بزه‌کاران، اصل برائت را خطاب به قانون‌گذار عادی در حوزه سیاست جنایی الزام می‌کند و به سیاست جنایی انسجام می‌بخشد.

ب) اسناد و مقررات فراملی منطقه‌ای: این اسناد برای دولت‌های عضو، الزام‌های سیاسی - جنایی تعریف می‌کند که اعمال آن‌ها در سطح ملی در نهایت به نزدیکی و حداقل به هماهنگی سیاست جنایی کشورهای منطقه منجر می‌شود.

ج) اسناد جهانی: اسنادی مانند کنوانسیون مقابله با فساد، در زمینه مالی، اقتصادی و اداری، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در حوزه حقوق بشر و یا اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در حوزه عدالت کیفری و آراء و رویه‌های قضایی و غیرقضایی دادگاه‌ها و مراجع جهانی؛ مانند دیوان کیفری بین‌المللی، شورای حقوق بشر و کمیته حقوق بشر، به نوبه خود سیاست جنایی دولت‌های عضو را هماهنگ و در قلمروهایی مانند بزهکاری اقتصادی یا جرایم تروریستی به هم نزدیک و بدین‌سان زمینه جهانی‌شدن مقوله‌های سیاست جنایی را فراهم می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۶).

د) اسناد، تصمیم‌ها، آراء و رویه‌های قضایی و نظرات مشورتی - اصلاحی منطقه‌ای و جهانی:

مقررات فراملی در نهایت حاکمیت ملی دولت‌ها را در زمینه سیاست جنایی، به ویژه سیاست جنایی در قبال جرایم جهانی شده را مقید و محدود می‌کند در این میان نقش بیش از پیش پررنگ سازمان ملل متحد از یک سو و قراردادها، موافقت‌ها یا تفاهم‌نامه‌های امنیتی - قضایی دو یا چندجانبه بین دولت‌ها از سوی دیگر در بین‌المللی شدن سیاست جنایی یعنی نزدیک و هماهنگ شدن سیاست جنایی کشورها در قلمروهای موردنظر این اسناد را نباید نادیده گرفت (کرمی‌پور سیار، ۱۳۹۲).

۵-۳-۱۲. انسجام در سیاست جنایی

یکی از مهم‌ترین نکاتی که عقلایی است در تدوین سیاست جنایی ملحوظ شود، لزوم انسجام در سیاست جنایی است برخی از عوامل موجب عدم انسجام در سیاست جنایی به شرح ذیل است: الف) عدم توجه به عرف و انتظارات عمومی در جرم‌انگاری اعمال یا تعیین مجازات نامتناسب برای جرائم که این امر موجب می‌شود قضات با نگاه عرفی و با استفاده از تفسیر قوانین کیفری در اتخاذ تصمیم قضائی باسیاست جنایی تقنینی فاصله داشته باشند.

ب) سهل‌انگاری در اجرای مجازات و تأثیرپذیری از افراد صاحب‌منصب موجب تضاد سیاست جنایی قضائی باسیاست جنایی تقنینی خواهد شد (نجفی‌توانا، ۱۳۸۹: ۱).

ج) تعدد مراجع قانون‌گذاری در خصوص عناوین واحد، نگرشی سنتی به کیفر، ضعف تخصصی در قانون‌نویسی و عدم توجه به دستاوردهای علمی در زمینه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی.

د) بی‌توجهی به شرایط اجتماعی و تحولات جامعه و عدم آینده‌نگری در آن.

هـ) غفلت از تدابیر اصلاحی، پیشگیرانه، بازدارنده و عدم توجه به اهمیت کنش‌های غیرکیفری در تدوین سیاست جنایی.

و) عدم توجه و غفلت از نقش جرائم علیه عدالت قضائی در مداخله و انحراف از سیاست جنایی و عدم پیش‌بینی نحوه مدیریت موانع ثبوتی و موانع اثباتی استقرار عدالت در تدوین سیاست جنایی. (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۳).

۵-۳-۱۳. لزوم توجه به اهمیت مشارکت مردم در تدوین سیاست جنایی و اجرای آن

در دوره معاصر، رشد روزافزون پدیده مجرمانه، همراه با ظهور اشکال و حجم‌های نوین و متنوع بزه و بزهکاری، بحران ناتوانی و ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام کیفری در به‌کارگیری صرف ضمانت‌اجراهای کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناختی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده

است (رستمی، ۱۳۸۶/۲: ۱۳۹). به عبارت دیگر در حال حاضر و در بعد عمل و اجرا، بیشتر صاحب نظران و اندیشمندان متوجه شده‌اند که در بسیاری از موارد سیاست جنایی در مهار و کنترل و توقف و کاهش پدیده مجرمانه موفق نبوده است، آنان یکی از عوامل ناکارآمدی سیاست جنایی را عدم مشارکت مردم دانسته و برای برون رفت از این مشکل و معضل، راهکارهای مشارکت مردم در سیاست جنایی را پیشنهاد نموده‌اند (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۱). لذا بر اساس عقل و منطق، سیاست‌گذار جنایی می‌بایستی در تدوین و اجرای آن، مشارکت مردم را به عنوان یک موضوع محوری مدنظر قرار دهد.

۵-۳-۱۴. لزوم قابلیت ارزیابی سیاست جنایی

ارزیابی چه به عنوان مرحله پایانی فرایند سیاست‌گذاری شناخته شود و چه عنصر هم‌گام با تمام مراحل سیاست‌گذاری، یک ضرورت عقلی به منظور حفظ نظام سیاست‌گذاری عمومی بطور کلی و نظام سیاست‌گذاری جنایی به طور خاص است. بدین نحو که ارزیابی با تکیه بر ضرورت شفافیت عملکرد و پاسخ‌گویی نهادهای طراح و مجری سیاست‌ها با استناد به شواهد عینی تجربی به دست آمده، افزون بر اینکه مانع نفوذ رویکردهای منفعت‌طلبانه و عوام‌فریبی در عرصه سیاست‌گذاری می‌شود، به سیاست‌گذاران در اجرای مجدد، اصلاح، تغییر یا حذف سیاست‌های اجرا شده، کمک می‌کند؛ لذا سیاست جنایی می‌بایستی قابلیت ارزیابی داشته باشد.

نتیجه

لازمه داشتن نظام اداری سالم با کارایی و اثربخشی مطلوب جهت تحقق برنامه‌های حاکمیت و حفظ سرمایه اجتماعی، صیانت از سلامت منابع انسانی در آن نظام است و حفظ سلامت منابع انسانی و پیشگیری از پدیده مجرمانه در نظام اداری مستلزم اتخاذ سیاست جنایی مطلوب و اثرگذار می‌باشد. با توجه به تعریف موسعی که از سیاست جنایی ارائه گردید، لازمه مطلوبیت و اثرگذاری این سیاست، تدابیر و روش‌های مأخوذه سیاست‌گذار از آخرین دستاوردهای علمی مکاتب حقوق کیفری، جرم‌شناسی نظری و کاربردی، مؤلفه‌های فلسفی، عقلانی و تجربی مذکور در متن مقاله جهت پاسخ به پدیده مجرمانه خواهد بود، لذا پیشنهاد می‌شود در راستای دستاوردهای فوق‌الذکر سیاست جنایی مطلوب در این نظام واجد ویژگی‌های زیر باشد:

۱. پیش‌بینی سازوکارهای رفع عوامل فردی پدیده مجرمانه (انگیزه‌های مالی و ویژگی‌های شخصیتی فقدان آموزش و آگاهی احساس بی‌عدالت و تبعیض)
۲. پیش‌بینی سازوکارهای رفع عوامل ساختاری پدیده مجرمانه (فقدان شفافیت، نظارت ناکافی و مستقل، بوروکراسی پیچیده، فقدان الزام به پاسخگویی)
۳. پیش‌بینی سازوکارهای رفع عوامل اجتماعی پدیده مجرمانه (فرهنگ سازمانی ناسالم، نفوذ روابط بجای ضوابط)
۴. پیش‌بینی سازوکارهای رفع عوامل اقتصادی

پدیده مجرمانه (قلت حقوق و مزایا، شرایط اقتصادی نامناسب) ۵. پیش‌بینی سازوکارهای رفع عوامل فرهنگی پدیده مجرمانه (عدم پابندی به اخلاق کاری، نهادینه شدن فساد، عدم آگاهی عمومی) ۶. پیش‌بینی اقدامات در راستای یافته‌های جرم‌شناسی کاربردی (شناسایی خلأهای قانونی، احصاء ضعف قوانین و مجازات‌های جاری، کمک به تعریف رویه‌های مشخص برخورد با جرایم، بررسی عوامل روانی و شخصیتی مرتکبان جرایم، ارتقاء فرهنگ سازمانی و اخلاق حرفه‌ای در نظام اداری، برگزاری دوره‌های آموزش، ترویج فرهنگ پاسخگویی، تقدیر از رفتارهای سالم) ۷. پیش‌بینی ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی داخلی در نظام اداری (ایجاد کانال‌های امن و محرمانه، حمایت از گزارش‌دهندگان، و بررسی سریع و دقیق گزارش‌ها) ۸. ارائه طریق جهت بهبود شرایط اقتصادی کارکنان نظام اداری (افزایش حقوق و مزایا، ایجاد انگیزه‌های مالی، ایجاد فرصت‌های رفاهی) ۹. ارتقاء شفافیت و پاسخگویی در نظام اداری (شفاف‌سازی فرآیندهای اداری، ایجاد سامانه‌های الکترونیکی، گزارش‌دهی عمومی) ۱۰. تقویت نظارت و بازرسی‌های مستقل در نظام اداری ۱۱. استفاده از مؤلفه‌های فلسفی (احترام به حقوق اساسی ملت‌ها، ارزش‌ها و باورهای جامعه، و مشارکت نهادهای دولتی و مردمی) ۱۲. استفاده از مؤلفه‌های تجربی (اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه، حمایت از افشاگران تخلفات، استفاده از فناوری‌های نوین، اصلاح نظام‌های رسیدگی به تخلفات اداری، رویکردهای ترمیمی به جای تنبیهی، آموزش مستمر و فرهنگ‌سازی اخلاق حرفه‌ای) ۱۳. استفاده از تحلیل داده‌ها در برنامه‌ریزی ۱۴. رعایت اصول حکمرانی خوب با تأکید بر شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت شهروندان. ۱۵. لزوم توجه به مبانی توسعه ۱۶. لحاظ اصول، قوانین و مقررات الزام‌آور ملی و فراملی ۱۷. انسجام در سیاست جنایی (توجه به عرف و انتظارات عمومی در جرم‌انگاری اعمال یا تعیین مجازات، قاطعیت در اجرای مجازات و عدم تأثیرپذیری از افراد صاحب‌منصب، جلوگیری از تعدد مراجع قانون‌گذاری در خصوص عناوین واحد، رویکرد تخصصی در قانون‌نویسی) ۱۸. توجه به شرایط اجتماعی و تحولات جامعه و آینده‌نگری ۱۹. توجه به اهمیت کنش‌های غیرکیفری در تدوین سیاست جنایی ۲۰. توجه به نقش جرائم علیه عدالت قضائی در مداخله و انحراف از سیاست جنایی ۲۱. توجه به اهمیت مشارکت مردم در تدوین سیاست جنایی و اجرای آن ۲۲. لزوم قابلیت ارزیابی سیاست جنایی.

منابع

فارسی

- ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). سیاست جنایی از مدل‌ها تا جنبش‌ها. دیپاچه‌ای بر چاپ دوم کتاب نظام‌های بزرگ سیاست جنایی نوشته میری دلماس مارتی، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- اکبری، حسین. (۱۳۷۹). مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران. همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، تهران: نشر روزنامه رسمی کشور.
- الوانی، سیدمهدی؛ شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۷۲). فرایند خط و مشی‌گذاری عمومی. چاپ نخست، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ایروانیان، امیر. (۱۳۹۲). نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی. جلد ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق.
- آنسل، مارک. (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی. ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- پردال، ژان و دیگران. (۱۳۹۳). حقوق کیفری شورای اروپا. ترجمه محمد آشوری، تهران: انتشارات خرسندی.
- تقی‌زاده مریم؛ نوبهار، رحیم؛ غلامی، حسین. (۱۳۹۸). مبانی ارزیابی سیاست جنایی. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۲، ۳۵۳-۳۷۱.
- جلیلی قاسم آقا، امید. (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری: مفاهیم، الگوها و فرایندها. مجله علمی تخصصی رویکردهای پژوهش نوین در مدیریت و حسابداری، سال دوم، شماره ۴، ۱۰۶-۱۱۴.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۴). سیاست جنایی مشارکتی. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). ادب قضا در اسلام. چاپ دوم، قم: انتشارات اسراء.
- جهاننگلو، رامین. (۱۳۷۷). شوینهاور و نقد عقل کانتی. ترجمه محمد نبوی، چاپ نخست، تهران: نشر نی.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران. مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۱، ۹۳-۱۱۸.
- رستمی، ولی. (۱۳۸۶). مشارکت مردم در فرایند کیفری. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۲.
- رضایی، محسن. (۱۳۸۸). حقوق، زیربنای توسعه. فصلنامه حقوق و مصلحت مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۳.
- شکوهی پویا، مرتضی؛ المیر، محمود؛ شادمانفر، حمیدرضا. (۱۴۰۳). سیاست جنایی ایران در قبال جرایم کارکنان دولت. کارگاه، سال سیزدهم، شماره ۵۲، ۳۰-۴۶.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه؛ حسایی، ساره. (۱۳۹۰). سیاست جنایی و تطور مفهومی آن. فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۱۳-۱۳۳.
- مارتی، میری دلماس. (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- صادقی، ولی‌الله. (۱۳۹۳). درآمدی بر سیاست جنایی توسعه مدار. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- غلامی، حسین. (۱۳۸۲). تکرار جرم بررسی حقوقی - جرم‌شناختی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- قاسم‌زاده، قاسم. (۱۳۳۴). حقوق اساسی. چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق اساسی. چاپ سی و ششم، تهران: میزان.
- قیاسی، جلال‌الدین. (۱۳۸۵). مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کوشا، جعفر. (۱۳۸۹). جرایم علیه عدالت قضایی. چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کرمی‌پور سیار، عباس. (۱۳۹۲). پیشگیری از جرم در موافقت‌نامه‌های همکاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجد.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۹۴). مفهوم بندی و بری دولت. فصلنامه دولت پژوهش، سال اول، شماره ۱، ۵۷-۸۰.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۸۲). درآمدی بر سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۹۵). درآمدی بر سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۲). کلیات حقوق اساسی، چاپ سوم، تهران: پایدار.
- مک لئود، تاس. ایچ. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی در ایران، ترجمه علی اعظم محمد بیگی، تهران: نشر نی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی شناسی. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، ۱۰۱۵-۱۰۲۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۶). سیاست جنایی سازمان ملل متحد. مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). سیاست جنایی. جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات سلسبیل.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۰). دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی شناسی. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۹). حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم، دیپاچه‌ای بر: جورج پی، فلچر، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، مترجم سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ دوم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۸۹). مجموعه مقالات پیرامون سیاست جنایی. چاپ اول، تهران: انتشارات آموزش و سنجش.
- نوربها، رضا. (۱۳۸۸). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ بیستم و ششم، تهران، گنج دانش.

انگلیسی

- Birkland, T. (2005). *An Introduction to Policy Process*. 2Ed., N. Y.: ME Sharp.
- Dye, T. (2002). *Understanding Public Policy*, New Jersey: Prentic Hall.
- Cochran, C. and Malone, E. (1995). *Public Policy: Perspectives and Choices*, New York: MacGraw Hill.
- stowe, Kenneth. (1992). good piano won't play bad music: administrative reform and good governance, first edition, *public administration*, vo1, 070, issue 3.

- kaufmann, D, kray, A, mastruzii, M. (2005). *governance matters IV: governance indicators for 1996-2004 world bank policy research working paper 3630*.
- Peters, B. G. (2004). *American Public Policy: Promise and Performance*. 7Ed.N. Y.: CQ Press.
- Silverman, E. B. (1999). *NYPD Battles Crime: Innovative Strategies in Policing*. Northeastern University Press.
- Ferguson, A. G. (2017). *The Rise of Big Data Policing: Surveillance, Race, and the Future of Law Enforcement*. NYU Press.

